

فصل اول

کلیات تحقیق

بر پایه‌ی داده‌های مرکز آمار ایران، جمعیت ایران طی چند دهه‌ی گذشته، رشد شتابانی داشته - به طوری که در طول کمتر از دو دهه، بیش از دو برابر شده - و با مسائلی همچون مهاجرت بی رویه‌ی روستاییان به شهرها، افزایش روند شهرنشینی و ایجاد مناطق حاشیه نشین در اطراف شهرها روبرو بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

این مهاجرت‌های روستا-شهری یکی از رایج‌ترین شکل‌های تحرک فضایی (مهاجرت)<sup>۱</sup> جمعیت هاست؛ به طوری که در مناطق توسعه نیافته و محروم روستایی که مردم از مشکلات معیشتی و بیکاری جوانان رنج می‌برند، اغلب تنها گزینه‌ی پیش رو را مهاجرت به طرف شهرها می‌یابند. اما چون سکونت در مرکز شهرها، هزینه‌های زیادی را دربر دارد، برخی از آنان با توجه به توان مالی اندک و سطح سواد و تخصص پایین، در اطراف شهرها، طیف حاشیه نشین‌ها را تشکیل می‌دهند. نوع مسکن، وضع بهداشت نامناسب، وضعیت اشتغال، تراکم بالای جمعیت و محدود بودن میزان خدمات اجتماعی (شامل خدمات شهری، مراکز تفریحی، آموزشی، بهداشت، آب و برق) از ویژگی‌های مناطق حاشیه نشین هستند (الماسی، ۱۳۸۳).

---

1 Migration

در معنای لغوی به معنای حرکت افراد یا گروه‌هایی است، که مستلزم تغییر دائمی یا موقت محل سکونت است. لفظ مهاجرت در مقابل اصطلاح تحرک به کار می‌رود که به همه اشکال تحرک فضایی (موقت و دائم) اطلاق می‌شود و به معنای عام کلمه عبارت است از تحرک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور موقت یا دائم.

## ۱-۱ ایده‌ی پیشنهادی (پیمان استعدای تحقیق):

محله‌ی همت آباد (مفت آباد)، یکی از مناطق حاشیه نشین شهر اصفهان است که به گفته‌ی اهالی محله در حدود سال‌های ۱۳۳۰، در کنار محله‌ی کوله پارچه که خود از محلات حاشیه نشین شهر بوده، شروع به گسترش کرده است. ساکنین این محله را مهاجران روستایی و به تبع آن اقشار کم درآمد که بنیه‌ی مالی ضعیفی دارند تشکیل می‌دهند. این ساکنین روستایی معمولاً به شغل‌های غیر دائمی مشغولند و درصد بالایی از آن‌ها را افراد بیکار تشکیل می‌دهند. تعدادی نیز در مجاورت محل سکونت خود مشاغل گوناگون و اتفاقی دست و پا می‌کنند و به عبارتی محل سکونت خود را به گونه‌ای به فضای کار تبدیل می‌نمایند و تمامی اعضای خانواده نیز در این کسب درآمد مشارکت دارند، به طوری که بخشی از خانه‌ی خود را به صورت مغازه درآورده و به فروش محصولات و ارائه‌ی خدمات می‌پردازند. عده‌ای محصولات زمین‌های زراعی خود را روزانه از روستا به شهر منتقل کرده و در این مغازه‌ها با قیمتی پایین تر از سایر محلات به فروش می‌رسانند. عده‌ای دیگر با توجه به داشتن مهارت لازم، به تعمیر وسایل منزل، دوچرخه، موتور و ماشین مشغولند و سایر مغازه‌ها نیز لباس‌های تولیدی زنان محله را به فروش می‌رسانند. سایر ساکنین نیز که قادر به داشتن مغازه نیستند به دست‌فروشی در راستای مغازه‌ها می‌پردازند. این مغازه‌ها با گذشت زمان رونق گرفته و یک راسته‌ی تجاری فعال را در این محله به وجود آورده‌اند که با توجه به مطالب گفته شده؛ در این راسته فعالیت‌ها و فضاهای همگون و هماهنگ در کنار یکدیگر مستقر شده‌اند و این دسته بندی به صورت مغازه‌های میوه فروشی، تعمیرگاه‌ها و لباس فروشی‌ها است که عرضه‌ی محصولات و ارائه‌ی خدمات در آن‌ها با قیمتی بسیار نازل‌تر از سایر محلات شهر می‌باشد.

حال این راسته‌ی تجاری در این محله‌ی حاشیه نشین، همچون سایر محله‌های حاشیه نشین شهری از معضلات و مشکلات زیادی رنج می‌برد. به عنوان مثال در این راسته‌ی تجاری تداخل نظام حرکتی سواره و پیاده و عدم وجود سلسله مراتب دسترسی تهدیدی برای محور ترافیکی محسوب می‌شود، حتی در برخی از موارد نیز یکی شدن محور سواره و پیاده مشکلات زیادی را برای استفاده کنندگان از این فضای شهری به وجود می‌آورد. در این میان عنصر پیاده - رو بیش از هر چیز دیگری مورد بی توجهی بوده است و نبود آن باعث شده تا در سرتاسر مسیر سواره، عابر پیاده با حرکت‌های بی برنامه مواجه بوده و از ضریب ایمنی بسیار پایینی برخوردار باشد.

بدنه‌ها و خط آسمان آبدنه‌ی معابر در این راسته‌ی تجاری از اغتشاش و ناموزونی فوق العاده‌ای رنج می‌برد که مشکلات کالبدی، اغتشاش در ارتفاع‌ها، مصالح و همچنین بی برنامه بودن باعث این تنوع بصری و ناموزونی گردیده

است. همچنین ساختار فرسوده ی این مغازه ها نیز یکی دیگر از مشکلات این راسته می باشد.

از طرفی با وجود معضلات و مشکلات مطرح شده، در این راسته ی تجاری سرمایه های نهفته ای موجود است که می توان با ارتقای محیطی و سامان دهی آن، این راسته را مورد بهره برداری قرار داد. همان طور که گفته شد، قیمت پایین زمین، محصولات و ارائه ی خدمات در این راسته یکی از ویژگی های مثبت آن می باشد. حال در این پژوهش سعی بر این است تا این راسته ی فعال، اما نابه سامان را به سامان کرد به گونه ای که همچنان ویژگی های مثبت قبلی همچون ارزان بودن محصول و فضا، سبکی فضا، عدم وجود تشریفات و عرضه ی مستقیم کالا را دارا باشد و بتوان آن را به یک بازارچه ی محله ای و فرامحله ای تبدیل نمود.

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در رونق این راسته ی تجاری، حضور فعال دست فروشان<sup>۳</sup> می باشد. برخی از این دست فروش ها در قالب واسطه گر و برخی دیگر نیز با بساط پهن کرده بر پیاده رو به فروش محصولات خود می پردازند، اما عدم ساماندهی این دست فروشان مشکلات زیادی را برای این راسته به وجود آورده است که در صورت ساماندهی مناسب می تواند یکی از نقاط قوت محدوده محسوب گردد.

در این پژوهش سعی بر این است تا با شناسایی نقاط قوت و پتانسیل های زیاد این محدوده به استفاده ی مناسب و تقویت آن ها و ارتقای محیطی پرداخته تا بتواند با توجه به آمار بالای بیکاری در محدوده منجر به اشتغال زایی گردد و نیز به بهبود شرایط زندگی، شبکه ی ارتباطی و دسترسی های محله کمک نماید، و همچنین پیوند، هماهنگی و ارتباطی مناسب میان این محله و محلات اطراف برقرار گردد.

## ۱-۶- پیشینه ی تحقیق:

در سال ۱۹۵۰، یک سوم جمعیت جهان در شهرها زندگی می کردند، نیم قرن بعد این نسبت به یک دوم افزایش یافت و در سال ۲۰۵۰ این مقدار به دو سوم افزایش خواهد یافت. تقریباً همه ی این افزایش، در کشورهای در حال توسعه<sup>۴</sup> اتفاق خواهد افتاد. در این کشورها جمعیت شهرها و شهرک ها بیش از دو برابر خواهد شد. این افزایش از مشکلات شهرهای بزرگ و عاملی تاثیرگذار در شکل گیری مناطق حاشیه نشین محسوب می شود (TheUnHabitatstrategic vision, 2003). در ایران نیز سهم جمعیت شهری و روستایی در حال حاضر حدوداً به نسبت دو سوم و یک سوم می باشد. این در حالیست که در ۵۵ سال قبل یعنی در سال ۱۳۳۵، این نسبت ها دقیقاً عکس بوده؛ یعنی یک سوم جمعیت کشور در شهرها و دو سوم در روستاها ساکن بوده اند که مهاجرت و به

3 Street vendors

4 Developing Countries

خصوص مهاجرت روستا-شهری یکی از ارکان اساسی افزایش جمعیت شهرها محسوب می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). این جریان سریع شهرنشینی در ۲۰ سال گذشته در کشور ما، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی را به دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی فراوانی را در اغلب کلان شهرهای ایران به وجود آورده است (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲).

اصطلاح حاشیه نشینی یا زاغه نشینی در کشورهای در حال توسعه، به محلات فقیرنشینی اطلاق می شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی-اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند (احمدیان، ۱۳۸۳). اغلب ساکنان این مناطق دارای درآمدی ناچیز و جزو طبقات پایین جامعه می باشند. آن ها به صورت کارگر روزمزد بوده و اغلب در بخش های غیر رسمی کار می کنند. آن ها حداقل دستمزد را دریافت می نمایند و گاهی بعضی از خانواده ها با کار در شغل های نیمه وقت سطح درآمد بالاتری دارند. اغلب ساکنان را مهاجران (از روستا به شهر) تشکیل می دهند و بعضی از آن ها نیز از نسل دوم و یا سوم ساکنان غیرمجاز می باشند (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲).

حاشیه نشینی و زاغه نشینی و مشکلات ناشی از آن معضلی است که همه‌ی شهرهای جهان خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به نوعی با آن مواجه هستند. انگلس<sup>۵</sup>؛ یک صد سال پیش در انگلستان به محلات زاغهای اشاره می کند و وجود آن ها را ناشی از انقلاب صنعتی می داند؛ محلاتی که همه‌ی کشورها در صدد رهایی از آن هستند (Mumtaz, 2001). بنابراین سکونتگاه های غیر قانونی (عدوانی) از مدت زمان طولانی وجود داشته است ولی با مفهومی متفاوت با امروز، در واقع این سکونتگاه‌ها غیر قانونی نبوده‌اند. سکونتگاه غیر قانونی (squatter) اصطلاحی است که اخیراً به وسیله‌ی غربی‌ها به کار رفته است و اولین بار در نوشته‌های چارلز آبرام و جان تورنر و به ویژه پس از کنفرانس مسکن وانکوور کانادا در سال ۱۹۷۶ رایج گردید. این تصویر جدید از چنین سکونتگاه های غیر قانونی و خود مختار به عنوان سکونتگاه عدوانی، باعث می شود که روش‌های مقابله‌ای و دشمنی جویانه نسبت به آن ها به روش‌های حمایت از آن‌ها تغییر کند. تعداد زیادی از مطالعات موردی که در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس مسکن وانکوور کانادا مطرح گردید، شرایط این سکونتگاه ها را روشن نموده و برای حل مشکلات چنین سکونتگاه‌هایی به یک روش متعهدانه و متمرکز شده تاکید می کند (Srinivas, 1998).

---

5 In formal Sector

6 Friedrich Engels

فردریش انگلس، فیلسوف و انقلابی کمونیست آلمانی و نزدیک‌ترین هم‌کار کارل مارکس است. او به همراه کارل مارکس "مانیفست کمونیست" و آثار تئوریک دیگری نوشته است. آثار تئوریک او و کارل مارکس را اولین آثار تئوری کمونیستی می‌دانند. انگلس دوش به دوش مارکس، برای پایه‌گذاری تئوری علمی سوسیالیسم، تدوین برنامه‌ی مبارزاتی کارگران اروپایی و ایجاد حزب طبقه کارگر، پیگیرانه شرکت کرد.

روشن‌تر است. در دهه ی ۱۹۷۰، طراحان و سیاست گذاران با در نظر گرفتن کاستی هایی که در زمینه ی بهسازی زاغه ها وجود داشت درس ها و تجارب با ارزشی به دست آوردند و این امر در شکل گیری "روش توانمند سازی" در اواخر دهه ی ۱۹۸۰، بسیار موثر واقع گردید. این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تاکید دارد و به مردم این فرصت را می دهد که محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. به طور خلاصه در روش توانمند سازی مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می گردد که تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کند. به این ترتیب بهسازی شهری همراه با توانمند سازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مساله ی فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را رهگشا نمی داند بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان، مورد نظر است. در دومین کنفرانس مسکن که در استانبول در سال ۱۹۹۶ برگزار گردید، روش توانمند سازی چند قدم به پیش برده شد و بر مشارکت و روش های مشارکتی برای رسیدن به هدف تاکید گردید (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲).

در سپتامبر سال ۲۰۰۰، سران ۱۵۰ کشور در همایش هزاره ی جدید در نیویورک گرد هم آمدند. آن ها بدین نتیجه رسیدند که: "تا سال ۲۰۲۰ پیشرفت و بهبود قابل ملاحظه ای در زندگی حداقل ۱۰۰ میلیون زاغه نشین با هدف شهرهای بدون زاغه<sup>۷</sup>، به وجود بیاید." این تعهد در اعلامیه ای در مورد "شهرها و سکونت انسانی در هزاره ی جدید" که در ژوئن سال ۲۰۰۱ در استانبول همراه با جلسه ی مجمع عمومی سازمان ملل برگزار گردید و در کنفرانس اهمیت سرمایه در توسعه ی شهری که در ۱۸ مارس ۲۰۰۲ در مونترال برگزار گردید، نیز تکرار شد (Tebbal F. & Ray K., 2001).

بنابراین امروزه، دولتمردان و مقامات ملی دریافته اند که روش های مقابله ای و ستیزه جویانه با حاشیه نشینی روش مناسبی در رفع مشکلات نیست. در عوض دولت ها باید کوشش کنند محیط مناسبی را فراهم آورند که مردم بتوانند با استفاده از منابع و تولیدات خود، راه حل های محلی مناسبی را برای حل مشکلات خود پیدا کنند. با توجه به این که جمعیتی که در مناطق زاغه نشین و یا حاشیه زندگی می کنند، به سرعت در حال افزایش بوده، باید زاغه نشینی به جای این که به عنوان یک مشکل و معضل به نظر آید، به عنوان یک راه حل و یا حتی بخشی از راه حل در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر زاغه نشینی و حاشیه نشینی، تنها راه چاره برای قشر فقیر جامعه و گروه های کم درآمد محسوب می گردد و سرمایه گذاری انجام شده در مناطق زاغه نشین به طور قابل ملاحظه ای به اقتصاد شهری کمک می کند

7 Empowerment

8 Slum

(Balbo, 2001). بنابراین مشارکت جوامع فقیر شهری در بهبود کیفیت سکونتگاه هایشان عامل مهمی است که باید از آن بهره برداری کرد (Srinivas, 1998).

از طرفی بایستی به این نکته توجه نمود که به طور واقع بینانه در کنار برنامه های بهسازی و ارتقای سطح زندگی زاغه ها به توسعه ی اقتصادی<sup>۹</sup> منطقه نیز توجه شود و برای ساکنان این جوامع فقیر اشتغال ایجاد گردد. همچنین هزینه ی انجام بهسازی شهری<sup>۱۰</sup> و ارتقای سطح زندگی در محلات فقیر شهر می تواند بسیار محدود و اندک باشد، به طوری که کلیه ی خانوارهای ساکن قادر به پرداخت هزینه ی آن باشند (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲).

در حال حاضر میلیون ها نفر از ساکنان شهرها در فقر مطلق به سر می برند و علاقه مندند که به شرایط زندگی شان بهبود دهند و توانایی و قدرت این کار را نیز دارند اما اگر این امکان به آن ها داده شود. توسعه، در مفهوم کلی به معنای قادر ساختن مردم برای فرار از این دور باطل و نادرست است (Annan, 2002). توسعه، نیاز به منابع مالی، انسانی و طبیعی دارد که بسیاری از این اجتماعات از آن بهره مند هستند. ایجاد اشتغال، افزایش آگاهی، افزایش مهارت ها و ابزار و بهره برداری از منابع طبیعی و زیست محیطی در نهایت منجر به ایجاد ثروت می گردد. بنابراین در توانمند سازی اجتماعات فقیر شهر، رشد اقتصادی که از درون اجتماع به وجود آمده باشد یک ضرورت است.

**تاسیس گرامین بانک<sup>۱۱</sup> - تاکنون اقدامات و فعالیت های زیادی در زمینه ی توانمند سازی اجتماعات فقیر از طریق تقویت تشکل های مردمی در کشورهای مختلف جهان از جمله تایلند، فیلیپین، بنگلادش و هند صورت گرفته است؛ از آن جمله می توان به تاسیس گرامین بانک در بنگلادش با هدف ایجاد فرصت های خوداشتغالی برای مردم فقیر، بهره برداری گسترده از منابع انسانی و استفاده از مردم محروم و فقیر برای تقویت و بهبودی در شرایط اقتصادی - اجتماعی آن ها از طریق حمایت یکدیگر اشاره کرد. در ابتدا تصور می شد که فقرا قادر به پیدا کردن شغل و ایجاد فعالیت های تولیدی نیستند، اما وام گیرندگان گرامین بانک (که عمدتاً فقیر هستند) به طور موفقیت آمیزی ثابت کردند که فقرا با به دست آوردن مقادیر کمی سرمایه قادر به تولید درآمد و سرمایه هستند. آن ها فاقد عقیده، انگیزه، مهارت و روحیه ی سرمایه گذاری نیستند، در واقع آن ها بالاجبار فقیر باقی مانده اند. هم اکنون گرامین بانک به عنوان یک مدل اقتصادی - اجتماعی موفق در کاهش فقر محسوب می گردد<sup>۱۲</sup> (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲).**

9 Economic Development

۱۰ بهسازی شهری، بهسازی سکونتگاه های غیررسمی شامل بهبودهای کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، سازمانی و محیطی است که در مقیاس محلی و به صورت مشارکتی میان شهروندان، گروه های محلی و مسئولین محلی، اعمال می شود.

11 Grameen Bank

12 Muhammad Yunus (محمد یونس)

بانکدار و اقتصاددان بنگلادشی و خالق و مخترع وام خرد (به انگلیسی Microcredit)، نوعی وام کوچک برای بیکاران و تاجران فقیر است و او همچنین موسس بانکی به نام گرامین بانک می باشد. محمد یونس دکترای خود را در اقتصاد، از دانشگاه فاندرویلت آمریکا دریافت کرده است و در سال ۲۰۰۶ میلادی او موفق به کسب جایزه ی نوبل در صلح می شود.

بنابراین به جای اقدامات خیرخواهانه، باید از عملکردی استفاده شود که باعث خود کفایی<sup>۱۳</sup> اجتماعی شود. به عبارت دیگر در محیطی که منابع محدود هستند هر عاملی که خودیاری را در جامعه افزایش دهد دارای ارزش بسیاری خواهد بود. بنابراین باید از منابع و قابلیت های این مناطق جهت حل مشکلات شهری استفاده کرد و تلاش نمود تا این مناطق جذب بافت اصلی شهر گردند.

اکنون با توجه به مطالب گفته شده در زمینه‌ی حاشیه نشینی و راهکارهای مقابله با آن در جهان می توان این راهکارها را بومی سازی نمود و همچنین به راهکارهایی جدید در جهت رفع آن دست یافت.

**حاشیه نشینی در شهر اصفهان** تقریباً همزمان با گسترش حاشیه نشینی در ایران، یعنی حدود سال های ۱۳۲۰ آغاز شد و کم کم محلات حاشیه نشین در نقاط محروم اطراف شهر گسترش یافتند (دانش نما ۵۱، امجد).

**محلله همت آباد (مفت آباد)** نیز یکی از مناطق حاشیه نشین شهر اصفهان می باشد که در پیرامون مکانی خاص یعنی فرودگاه قدیمی شهر شکل گرفته است. زمین های این منطقه به دلیل دور بودن از مرکز شهر، کمبود دسترسی های مناسب، همجواری با اراضی تخت پولاد و نزدیکی به اراضی فرودگاه نظامی و آلودگی صوتی ناشی از آن زمین هایی کم ارزش محسوب می شد. به گفته ی افراد محلی و ساکنین، وجه تسمیه ی محله نیز ناشی از کم ارزش بودن زمین های این ناحیه می باشد و به قولی «مفت آباد» به معنای ایجاد آبادانی با کمترین سرمایه گذاری است.

این محدوده هم اکنون جزء بافت های فرسوده ی اصفهان محسوب می گردد؛ چرا که هر سه ویژگی بافت های فرسوده که در زیر نامبرده می شود را دارا می باشد:

- ۱ - **ریزدانگی**: بلوک هایی که بیش از ۵۰٪ آن ها مساحتی کمتر از ۲۰۰ مترمربع داشته باشد.
- ۲ - **ناپایداری**<sup>۱۴</sup>: بلوک هایی که بیش از ۵۰٪ بناهای آن ناپایدار و فاقد سیستم سازه ای باشد.
- ۳ - **تشرذم پذیری**<sup>۱۵</sup>: بلوک هایی که بیش از ۵۰٪ معابر آن عرض کمتر از ۶ متر داشته باشند (گزارش توجیهی طرح نوسازی بافت فرسوده ی همت آباد، ۱۳۸۸).

بررسی ها و تحقیقات انجام شده در این محله تاییدی است بر بیماری این عضو از خانواده ی شهر بزرگ اصفهان؛ اما نسخه هایی که بر آن پیچیده می شود کاملاً متفاوت می باشد. در یک دیدگاه، محله به عنوان لوحی سفید با موقعیت مناسب شهری مطرح می گردد که سود آوری کلانی را برای طراحان و مجریان در بر خواهد داشت و در یک

---

13 Self-sufficiency  
14 Impermanence  
15 Impermeability



نگرش تک بعدی، سرمایه ایست برای استفاده‌ی ارگان‌های دولتی و یا خصوصی؛ به طوری که بر اساس گزارش توجیهی طرح نوسازی بافت فرسوده‌ی همت آباد، خیابان مربوطه یک محور مجهز محلی می باشد که یک راسته‌ی فعال شمالی جنوبی را به وجود آورده است و در طرح پیشنهادی با افزایش عرض آن و در نظر گرفتن نقش پیشنهادی جمع و پخش کننده‌ی محلی، پهنه‌های خدماتی در حاشیه‌ی آن قرار می گیرد که البته این طرح مبنی بر تخریب و ساخت مجدد این محدوده و تخلیه‌ی آن توسط ساکنین کنونی می باشد که تا حدودی نگاه سودجویانه‌ی ارگان‌های دولتی و عدم توجه به معیارهای جهانی برخورد با مناطق حاشیه نشین شهری را در بر دارد. در دیدگاهی دیگر که برخلاف مورد قبل به حذف صورت مسئله نمی پردازد، مسئله‌ی ساماندهی و بهسازی کالبدی-اجتماعی محله مطرح می گردد. که در یک نگرش مسئولانه و با توجه به مطالب گفته شده در مورد تجربیات جهانی، دیدگاه دوم، دیدگاه مناسبی برای برخورد با مساله می باشد؛ به طوری که از منابع و قابلیت‌های این منطقه جهت حل مشکلات آن استفاده نمود و با ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی برای مردم فقیر به بهره برداری گسترده از منابع انسانی پرداخت. حال در ابتدا بایستی به بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده در مرحله‌ی شناخت وضع موجود پرداخت تا به زمینه‌هایی که فعالیت‌های ساماندهی بایستی برای کمبودها و مشکلات در آن‌ها متمرکز شود پی برد.

این محدوده، دارای یک راسته‌ی تجاری می باشد که در دو سوی یک راه پر تردد تشکیل شده است. مغازه‌های تجاری در این راسته، دارای مساحت کوچکی می باشند و بیش تر بساط آن‌ها به کناره‌ی خیابان انتقال یافته است که در بعضی موارد نیز فضاها یا سایه بان‌هایی با مصالح سبک و ارزان ساخته شده تا کالاهای تابش آفتاب یا ریزش باران محفوظ بمانند. در این راسته، فروشندگان بساط خود را به گونه‌ای در کنار یکدیگر می چینند که عبوران ضمن حرکت در طول راه بتوانند آن‌ها را مشاهده کنند.

همان گونه که گفته شد یکی از کنش‌گران اصلی در این محدوده مراجعه کنندگان هستند که اغلب به منظور خرید هفتگی به این محدوده مراجعه می کنند و به این ترتیب توقف حداقل یک ساعتی آنان در محدوده، نیازمند تمهیدات مناسب برای سرویس دهی به آنان می باشد؛ اما عدم وجود این تمهیدات باعث بروز مشکلات زیادی در این محدوده می گردد.

از دیدگاه بصری نیز عدم هماهنگی در رنگ و مصالح مصرفی واحدهای همجوار، فرسودگی کالبدی بناها، عدم توجه به بهسازی مناظر شهری و آشفته‌گی در خط آسمان به عنوان تهدیدی<sup>۱۶</sup> برای محدوده به حساب می آید. در این پژوهش، نحوه‌ی گرد آمدن کنش‌گران اصلی و بروز آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می گیرد و تلاش در بهبود و ارتقای آنان می باشد.

## ۱-۳ اهداف تحقیق:

- ۱- طراحی یک مجتمع تجاری که بتواند پاسخگوی نیازهای روستاییان ساکن در این محدوده باشد.
- ۲- ساماندهی و احیای راسته‌ی تجاری واقع در حاشیه‌ی خیابان و تبدیل آن به یک مجتمع تجاری به سامان محله‌ای و فرا محله‌ای با حفظ ویژگی‌های مثبت قبلی همچون ارزان بودن محصول و فضا، سبکی فضا، عدم وجود تشریفات و عرضه‌ی مستقیم کالا.
- ۳- تلفیق مغازه‌های تجاری و پیاده‌رو یا معبر شهری و حضور فعال دست‌فروشان به عنوان راهکاری جهت دستیابی به یک فضای تجاری پویا و پایدار.

## ۱-۴ اهمیت و ضرورت تحقیق:

محله‌ی مفت آباد در گذشته، یکی از مناطق حاشیه‌نشین شهر اصفهان بود اما با گسترش شهر، ایجاد دسترسی‌های مناسب، جابه‌جایی کاربری زمین‌های فرودگاه سابق و جلوگیری از گسترش اراضی تخت فولاد در طول زمان، این منطقه از مناطق با ارزش شهر محسوب شده و محله‌ی مفت آباد همچون تافته‌ای جدا بافته با کالبد و فرهنگ متناقض در بن این کالبد جدید باقی ماند. از طرفی پایین بودن سطح خدمات و بالا بودن سطح تراکم جمعیت در این منطقه و در مقابل، فاصله‌ی اندک با رودخانه‌ی زاینده رود و بافت به نسبت پیشرفته‌ی محدوده‌ی خیابان آپادانا و اختلاف فاحش و قابل توجه با سایر بافت‌های مناطق همجوار، احیای این بافت را بیش از پیش لازم و ضروری ساخته است.

در نتیجه با سامان‌دهی این راسته‌ی تجاری، ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی برای مردم فقیر و بهره‌برداری گسترده از منابع انسانی می‌توان باعث تقویت و بهبود شرایط اقتصادی-اجتماعی آن‌ها گردید و این روستاییان کم‌درآمد را به چرخه‌ی فعالیت‌های شهری وارد نمود و این اختلاف فاحش میان این منطقه و مناطق مجاور را از بین برد.

از طرفی با توجه به شرایط، حاشیه‌نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند و با توجه به تبعات سوء‌نشی از حاشیه‌نشین‌ها به عنوان یکی از معضلات بزرگ اجتماعی که امروزه عاملی در جهت سقوط افراد در ورطه‌ی انحراف و بزهکاری است، اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش مطرح می‌گردد.

همین‌طور درصد بالای افراد بیکار و یا مشغول به کارهای غیر دائمی، نیاز ساکنین به اشتغال زایی را مشخص می‌کند. در نتیجه ایجاد یک بازارچه می‌تواند در اشتغال زایی محله تاثیر بسزایی داشته باشد.

## ۱-۵ پرسش‌های تحقیق:

۱ - چه محیطی می تواند پاسخگوی نیازهای روستاییانی باشد که می خواهند خود را از حاشیه، به چرخه‌ی فعالیت‌های شهری وارد نمایند؟

۲ - چگونه می توان یک راسته‌ی تجاری فعال اما نابه‌سامان را به سامان کرد به گونه‌ای که همچنان ویژگی‌های مثبت قبلی همچون ارزان بودن محصول و فضا، سبکی فضا، عدم وجود تشریفات و عرضه‌ی مستقیم کالا را دارا باشد؟

۳ - چه راهکاری می تواند جهت ایجاد یک فضای تجاری پویا و پایدار، در یک محله‌ی حاشیه نشین شهری موثر باشد؟

#### ۱-۶ راهبردهای طراحی:

۱ - با توجه به این که ساکنین این منطقه را روستاییانی با سطح درآمد پایین تشکیل می دهند و قادر به پرداخت مالیات زیاد و هزینه های زیاد یک فضای تجاری جدید ساخت نمی باشند، بایستی فضای طراحی شده مطابق با امکانات و نیازهای آن ها بوده و از منابع و قابلیت‌های این منطقه جهت حل مشکلات آن استفاده گردد.

۲ - هدف از انجام این پروژه بهبود شرایط و سامان‌دهی این راسته‌ی تجاری می باشد، به گونه‌ای که با حفظ ویژگی‌های مثبت قبلی، فضایی متناسب با ویژگی های ساکنان و مراجعه کنندگان به وجود آید که ایجاد این فضا بایستی با مشارکت ساکنین و بهره برداری از امکانات موجود صورت پذیرد.

۳ - یکی از ویژگی‌های مثبت این راسته‌ی تجاری که باعث رونق آن گردیده، کشیده شدن مغازه ها از درون به بیرون (پیاده رو) و حضور فعال دست‌فروشان است که راهکاری مناسب جهت ایجاد پویایی در این راسته‌ی تجاری می - باشد، اما از طرفی باعث نابه‌سامانی آن گردیده است که با یک طراحی مناسب می توان آن را به سامان کرد.

#### ۱-۷ کاربرد نتایج تحقیق:

زاغه‌ها و حاشیه‌های نابه‌سامان که اکثر کشورها با وجود آن‌ها مخالف هستند، می توانند نقش‌های مثبت و منفی را در شهرهای کشورهای جهان سوم ایفا کنند. تحقیقات و بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی بهسازی این مناطق نشان داده است که در بیش تر موارد، توسعه و گسترش تسهیلات شهری می‌تواند یک عامل مهم در رشد اقتصادی هر منطقه باشد؛ زیرا سرمایه گذاری در این زمینه از بازده بالایی برخوردار بوده و از سوی دیگر تاثیر فزاینده و منافع بیشمار، در اقتصاد منطقه و شهر دارد (Rainer, 2000).

این پروژه به دنبال ارائه راهکاری مناسب جهت ساماندهی و احیای یک راسته‌ی تجاری است که فروشندگان و مخاطبان آن به گونه‌ای از لحاظ فرهنگی و معیشتی با یکدیگر در تضاد و تناقض می‌باشند و این تناقض باعث بروز مشکلات زیادی در وضعیت حال حاضر این راسته می‌گردد. به این ترتیب ساماندهی این راسته‌ی تجاری و ایجاد فرصت‌های اشتغال، سبب توسعه‌ی پایدار این منطقه گشته و به میزان قابل توجهی از ناامنی منطقه می‌کاهد و در این میان، کل شهر و کشور سود خواهند برد؛ به عبارتی می‌توان به جای طرح سودجویانه‌ی مقامات دولتی در برخورد با محلوده، طرح مربوطه را ارائه نمود. در واقع بهسازی مناطق زاغه‌ای به معنای به رسمیت شناختن ساکنان و نیازهای آنان بوده و تاثیرات اجتماعی و روانی زیادی بر روی ساکنان داشته و سبب می‌گردد آنان با زندگی شهری بیش‌تر هماهنگ و منسجم گردند.

#### ۸-۱ روش تحقیق از نظر هدف:

تحقیق کاربردی (در راستای بهبود شرایط زندگی و کار در یکی از مناطق حاشیه نشین شهر اصفهان)

#### ۹-۱ روش تحقیق از نظر روش:

تحقیق توصیفی (descriptive res.) و میدانی (field res.)

#### ۱۰-۱ روش پالته اندوژی (روش گردآوری داده‌ها):

روش کتابخانه‌ای (جمع‌آوری اطلاعات پیرامون موضوع از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی) و روش میدانی از قبیل مصاحبه، مشاهده و تصویربرداری.

#### ۱۱-۱ روش تجزیه و تحلیل:

تجزیه و تحلیل کیفی

#### ۱۲-۱ فرآیند تحقیق: (سیر اندیشیده‌ای دستیابی به نتیجه تحقیق)

در ابتدا تحقیق با ارائه‌ی فرضیه‌ای به دنبال اثبات آن گام برمی‌دارد، سپس با مشاهده و بررسی وضع موجود و مطالعه‌ی مبانی نظری مرتبط با پروژه، به راهکارهایی اجرایی و عملی خواهد رسید. در پایان با به کار بردن راهکارها، طراحی مربوطه را با رویکرد مطرح شده به انجام می‌رساند.

فصل دوم

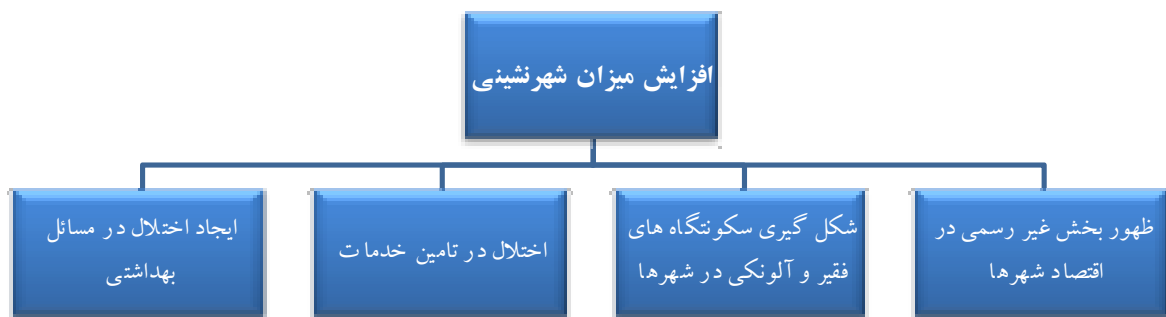
مکانگاه‌های حاشیه‌ای و اقتصاد غیر رسمی

## ۶-۶ افزایش میزان شهرنشینی و پیامدهای ناشی از آن

با آغاز قرن ۲۱، جمعیت جهان به بیشترین مقدار خود رسید و همزمان با آن، میزان شهرنشینی نیز افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۲۰۰۷، جمعیت شهرهای جهان برای اولین بار در تاریخ زندگی بشر به بالای ۵۰ درصد رسید. البته این روند در کشورهای در حال توسعه متفاوت از کشورهای توسعه یافته اتفاق افتاد؛ به طوری که نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت شهری جهان در شهرهای کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند؛ در این میان شهرهای آسیا و آفریقا با میزان رشد ۲.۴ درصد بیشترین رشد را تجربه کرده اند (UN-Habitat, 2003, P.25).

در ایران نیز سهم جمعیت شهری و روستایی در حال حاضر حدوداً به نسبت دو سوم و یک سوم می باشد. این در حالیست که در ۵۵ سال قبل یعنی در سال ۱۳۳۵، این نسبتها دقیقاً عکس بوده؛ یعنی یک سوم جمعیت کشور در شهرها و دو سوم در روستاها ساکن بوده اند که مهاجرت و به خصوص مهاجرت روستا-شهری یکی از ارکان اساسی افزایش جمعیت شهرها محسوب می شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

رشد شتابان شهری در کشورهای در حال توسعه همراه با چهار پیامد اساسی شامل **ظهور بخش غیررسمی در اقتصاد شهرها، شکل گیری سکونتگاه های فقیر و آلونکی در شهرها، اختلال در تامین خدمات و بالاخره ایجاد اختلال در مسایل بهداشتی** می باشد (Clark, 2003, p.111-131).



نمودار (۲-۱) پیامدهای ناشی از افزایش میزان شهرنشینی

که در ادامه به آنها پرداخته می شود:

مهاجران روستایی بیش تر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذبه‌ی شهری، زادگاه خود را ترک کرده و به شهرها روی می آورند؛ آن‌ها به دلیل عدم تطبیق با فرهنگ و محیط شهر و بر اثر عوامل پسران شهری جذب محیط‌های شهری نمی‌شوند و به تدریج با طبقات محروم شهر درآمیخته و در کانون‌هایی به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در بخش‌های نامرغوب شهر سکنی می‌گزینند؛ به طوری که با محل سکونت و متعارف شهری، آشکارا مغایرت دارد و مالکیت آن غالباً غصبی است (سلیمانی و کلانی فرد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱).

این مهاجرت روستاییان به شهرها، تنها موجب تغییر مکان جغرافیایی نیست؛ بلکه همواره با تغییر شغل مهاجرو تحرک اجتماعی<sup>۱۸</sup> همراه خواهد بود. یک روستایی که اجتماع ده را ترک می‌کند و به شهر می‌آید، در بسیاری موارد شغل کشاورزی را رها می‌کند و به جای آن به مشاغل و حرفه‌های غیر تخصصی که در شهر وجود دارد می‌پردازد. این مهاجرین تازه وارد به شهرها و جویای کار که اغلب فاقد مهارت لازم شهری و بعضاً غیر ماهرند و از توان اقتصادی لازم نیز برخوردار نمی‌باشند، نمی‌توانند در کوتاه مدت جذب بازار رسمی اشتغال شهری شوند و به این ترتیب *بازرگان* غیر رسمی شهر را به وجود می‌آورند که باعث رونق *اقتصاد غیر رسمی*<sup>۱۹</sup> در شهرها می‌گردد (رفیعیان، ۱۳۸۲، ص ۲۹۰).

بخش غیر رسمی جزیی از جغرافیای اقتصادی<sup>۲۰</sup> است که به طور رسمی شناسایی و ثبت نشده است. در بخش غیر رسمی افراد خارج از نظام رسمی کنترل و دستمزد به تولید اجتماعی می‌پردازند. البته این بخش غالباً ارتباط نزدیکی با جغرافیای اقتصادی رسمی دارد (دادش پور و علیزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

*بخش غیر رسمی اقتصاد*، پدیده‌ای است که همه‌ی اقتصادها اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته<sup>۲۱</sup> کمابیش با آن مواجه‌اند. سازوکارهای حاکم بر این بخش، پیچیده‌اند و ارزیابی آن دشوار می‌نماید، اندازه‌گیری عملکرد آن محتاج روش‌ها و شاخص‌های خاص است، مدیریت آن ابتکار و شجاعت می‌طلبد و برنامه ریزی برای سامان‌دهی آن بیش از هر چیز منوط به شکستن قالب‌های صلب فکری است (معینی، ۱۳۸۲، ص ۵).

17 Informal Sector

18 Social Mobility

تحرک اجتماعی، اصطلاحی در دانش جامعه‌شناسی است که به حرکت افراد و گروه‌ها بین موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف اطلاق می‌شود. تحرک عمودی به معنای حرکت به بالا یا پایین نردبان اجتماعی و اقتصادی است. افرادی که دارایی، درآمد، یا پایگاه اجتماعی کسب می‌کنند دارای تحرک صعودی هستند، در حالی که کسانی که درآمد و پایگاه خود را از دست می‌دهند دارای حرکت نزولی می‌باشند. در جوامع امروزی میزان زیادی تحرک جانبی نیز وجود دارد که به حرکت جغرافیایی بین نواحی، شهرها، یا مناطق اطلاق می‌گردد. تحرک عمودی و جانبی اغلب با یکدیگر همراه هستند.

19 Informal Economy

20 Economic Geography

21 Developed and Undeveloped

#### ۴-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱-۱

با وجود این که مدت زمان زیادی از به کار گیری اصطلاح بخش غیر رسمی نمی گذرد؛ اما پژوهش‌های عمده و متنوعی در این زمینه صورت گرفته که سابقه‌ی مفصلی را پدید آورده است. به رغم این سابقه، هنوز مفهوم بخش غیر رسمی مبهم است و تعریف روشنی از آن ارائه نشده است. کاستلز<sup>۲۲</sup> معتقد است به خاطر مرزهای متغیر آن هیچ گاه نمی توان آن را در چارچوب تعریف مشخص و محدودی گنجانده؛ و این مفهومی کلی است که در تئوری و عمل، توافق بر سر تعریف واحدی از آن وجود ندارد (ایران دوست، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در نوشته‌های جغرافیایی و اقتصادی، از بخش غیر رسمی با عناوینی مانند شغل‌های کاذب و انگلی، بیکاری پنهان، فعالیت‌های غیر تولیدی و غیر موثر، بخش سنتی، بخش سازمان نیافته نام می‌برند. شکویی آن را جغرافیای پیاده-روها نامیده است. با توجه به این عناوین، شاید بتوان بخش غیر رسمی را چنین تعریف کرد؛ بخشی از اقتصاد با فعالیت محدود، کارگر بر و محروم از حمایت قوانین و نهادهای رسمی (شکویی، ۱۳۷۳، ص ۴۶۴).

شناسایی بخش رسمی<sup>۲۳</sup> به علت داشتن روش‌های تولید و توزیع و فعالیت مدون نسبتاً آسان است، اما شناسایی و تعیین محدوده و اجزای بخش غیر رسمی، به دلیل تنوع و غیر مشخص بودن فعالیت‌ها، دشوار و یا ناممکن است. به هر حال به رغم نبود توافق بر سر تعریفی واحد، توافق عمومی بر سر وجود آن به چشم می خورد و به عنوان جزئی جدانشدنی از اقتصاد شهری جهان و به ویژه در شهرهای کشورهای در حال توسعه، مورد تاکید قرار گرفته است (ایران-دوست، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

همان گونه که از واژه‌ی "غیر رسمی" بر می آید، مهم ترین ویژگی این بخش، رسمی نبودن آن از نظر قوانین و مقررات کار و مالیات است. در واقع این بخش در جایی به ثبت نرسیده است و از مقررات مالیات و عوارض اقتصادی هم پیروی نمی کند.

با این وجود اصطلاح غیر رسمی به این معنی نیست که هیچ قاعده و هنجاری برای کنترل فعالیت شاغلان وجود ندارد. کسانی که در این فعالیت‌ها به کار اشتغال دارند، دارای اقتصاد سیاسی، قواعد غیر رسمی و گروهی، ترتیبات، نهادها و ساختارهای خاص خود بوده و برای کمک و اعتماد، تامین وام، سازمان‌دهی برای آموزش ضمن خدمت، انتقال فناوری و مهارت‌ها، و دسترسی به بازار، خود را ملزم به تبعیت از آن قواعد و تعهدات ناشی از آن می‌دانند. آن‌چه ما از آن آگاهی نداریم این است که این قواعد و هنجارها بر چه چیزهایی استوار است و این که آیا حقوق بنیادین کارگران را تامین می کند و در صورت مثبت بودن، این کار چگونه انجام می شود (سازمان بین المللی کار، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

22 Manuel Castells

23 Formal Sector

جامعه شناس اسپانیایی و نویسنده‌ی سه گانه‌ی مهم عصر اطلاعات است



بر خلاف پیش بینی‌های اولیه، اقتصاد غیر رسمی تقریباً در هر گوشه‌ای از جهان حتی کشورهای صنعتی به سرعت در حال رشد است و دیگر نمی‌توان آن را به عنوان یک پدیده‌ی موقتی یا باقی مانده از گذشته تلقی کرد. حجم عظیمی از اشتغال جدید در سال‌های اخیر، و به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، در اقتصاد غیر رسمی بوده است. اکثر مردم به این دلیل وارد اقتصاد غیر رسمی می‌شوند که نمی‌توانند در اقتصاد رسمی شغلی بیابند و یا قادر به شروع کسب و کار جدیدی در اقتصاد رسمی نیستند؛ به طور مثال کار غیر رسمی تقریباً ۸۰ درصد مشاغل بخش غیر کشاورزی، بیش از ۶۰ درصد اشتغال در مناطق شهری و بیش از ۹۰ درصد مشاغل جدید، ظرف یک دهه‌ی اخیر را به خود اختصاص می‌دهد.

غالباً کاربرد اصطلاح اقتصاد غیر رسمی و یا بخش غیر رسمی اقتصاد را به کی هارت<sup>۲۴</sup> نسبت می‌دهند که برای اولین بار آن را در سال ۱۹۷۳ در مقاله‌ای کلاسیک که نتیجه‌ی پژوهش وی بر روی محله‌ی کم درآمدی در آکرا<sup>۲۵</sup> در غنا بود، به کار برد (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴). در حالی که پیش از آن رینولدز<sup>۲۶</sup> در سال ۱۹۶۹ در مطالعه‌ی اقتصاد شهری، مدلی را ارائه کرد که در آن دو بخش شهری وجود داشت که یک بخش آن به نام خدمات، متشکل از کسانی بود که در خیابان به اموری چون آرایشگری، دستفروشی، واکس زنی و جز این‌ها می‌پرداختند (جی جی توماس، ۱۳۷۶، ص ۵۵). روی هم رفته، کاربرد وسیع این واژه در متون شهری و اقتصادی زمانی آغاز شد که پس از هارت گروه‌های وابسته به سازمان بین‌المللی کار (ILO)<sup>۲۷</sup> آن را در گزارش‌های خود به کار بردند (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵).



عکس‌های (۱-۲)، (۲-۲) و (۳-۲) بخش غیر رسمی در شهر آکرا، کشور غنا

24 Keith Hart

25 Accra

26 Reynolds

27 International Labor Organization

انسان‌شناس انگلیسی و استاد دانشگاه

در غرب آفریقا پایتخت جمهوری غنا

#### ۲-۱-۱-۲ ریزگی های بخش غیر رسمی

بخش غیر رسمی از نظر بازیگران، فعالیت‌ها و مقیاس فعالیت، بسیار ناهمگون است؛ به نحوی که اشخاص مختلفی را از طبقات اجتماعی و اقتصادی متفاوت و همچنین فعالیت‌های متنوع در مقیاس‌های مختلف شامل می‌شود. خرد بودن و مقیاس کوچک و فعالیت‌های محلی، کار در خانه، اشتغال خانوادگی، ناچیز بودن سرمایه و موجودی، دوره‌گردی و دست‌فروشی و خود اشتغالی از جمله ویژگی‌های بخش غیر رسمی اقتصاد است (Pacione, 2001, p478-479). علاوه بر این ویژگی‌هایی چون ورود و خروج آسان، عدم تعانس، کارفشار و کم مهارت، مهارت اندوزی در حین کار، روابط غیر مکتوب کارگر و کارفرما (سازمان بین المللی کار، ۱۳۷۷، ص ۲۰) و همچنین عدم محدودیت سنی و جنسی و عدم محدودیت مکانی (صرامی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۳ و ۱۱۴) برای این بخش بر شمرده شده است. نهایتاً فناوری کاربر و انطباق‌پذیر و بازارهای رقابتی فاقد مقررات دست و پاگیر را نیز می‌توان به این موارد افزود (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶).

شاغلان بخش غیر رسمی به صورت خود اشتغال<sup>۲۸</sup> یا اشتغال خانوادگی به فعالیت می‌پردازند و کمتر مستقیماً مزدی دریافت می‌کنند. همچنین غالباً کم سواد و یا بی‌سواد هستند و بدون زیر ساخت<sup>۲۹</sup> های لازم به فعالیت می‌پردازند (Sethuraman, 1997, P14).

چنین ویژگی‌هایی بخشی از اقتصاد شهری را ترسیم می‌کند که دارای مرزهای متغیر و ناپایدار است و عموماً دهک‌های درآمدی پایین و کم درآمدها، از آن امرار معاش می‌کنند که یا توان رسمی شدن را (با توجه به قوانین موجود) ندارند و یا به علت ضعف، ریسک رسمیت را نمی‌پذیرند. وجود فرصت‌های اقتصادی سودآور، تسهیل در دسترسی، انعطاف‌پذیری و عدم پیروی از قواعد و مقررات رسمی (با وجود بیکاری و محدودیت بخش رسمی) از دلایل گسترش روزافزون این بخش به شمار می‌آید (ایران‌دوست، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

#### ۲-۱-۱-۲ طبقه بندی اقتصاد غیر رسمی

با وجود مشکل تعیین محدوده‌ی بخش غیر رسمی و اختلاف نظر در این زمینه، در مطالعات متعددی که به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته، سعی شده است با ارائه‌ی سیاهه‌ای از مشاغل مختلف و یا طبقه بندی این مشاغل، محدوده‌ای هر چند نسبی برای آن ترسیم شود.<sup>۳۰</sup> بررسی‌ها هم تا کید می‌کنند که مرز مشخصی میان بخش غیر-

28 Self-employment  
29 Infrastructure

۳۰ به این تکنیک "حصر منطقی" گفته می‌شود.

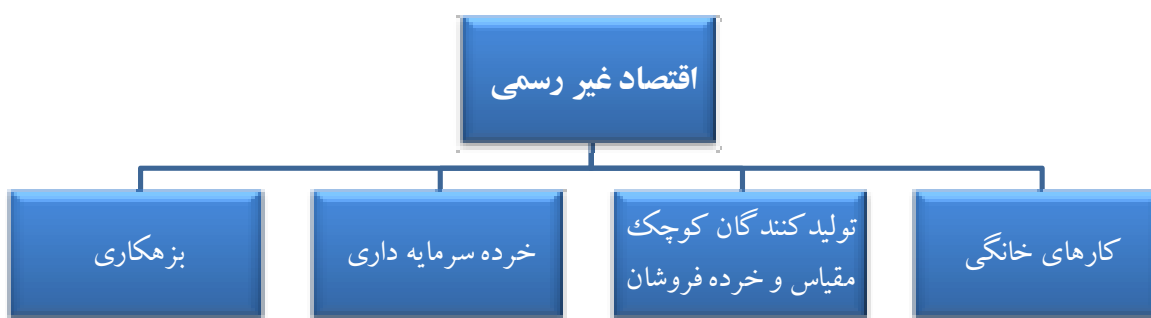
رسمی و رسمی وجود ندارد و این دو بخش، دارای نوعی هم پوشانی<sup>۳۱</sup> اند که غالباً با تامین منافع بخش رسمی نیز همراه است. پاتر<sup>۳۲</sup> و ایونز<sup>۳۳</sup> در یک طبقه بندی کلی، اقتصاد غیر رسمی را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند:

- **گروه اول**، شامل کارهای خانگی است که به نوعی معیشت حداقل را تامین می‌کنند. در این بخش، کالا و خدمات خانگی تولید می‌شود و عموماً در خانواده به مصرف می‌رسد و مازاد آن به بازارهای محلی عرضه می‌شود.

- **گروه دوم**، در بر گیرنده‌ی مشاغل و تولید کنندگان کوچک مقیاس و خرده فروشان است که غالباً خوداشتغال‌اند و شامل خرده فروشان خیابانی و فروشندگان مواد غذایی و تولیدات خانگی و از این قبیل می‌شود. این گروه، هم می‌توانند مزد بگیر و هم بدون مزد باشند و گاه نیز وارد عرصه‌ی رسمی می‌شوند. اصطلاح بخش غیر رسمی عموماً به این گروه اطلاق می‌شود.

- **گروه سوم**، که آن را خرده سرمایه داری یا سرمایه داری جزئی<sup>۳۴</sup> می‌نامند، در واقع بیش تر برای فرار از مقررات کار و بیمه و مانند این‌ها (مانند حداقل دستمزد و بیمه و شرایط کار) تشکیل می‌شود که با پرداختن دستمزد کم و یا بیگاری کشیدن، منافع اقتصادی خود را تامین می‌کنند. بیش تر واحدهای این بخش به صورت واسطه و حق العمل کار و با قراردادهای فرعی با شرکت‌های رسمی بزرگ تر کار می‌کنند و به عرضه‌ی خدمات و کالای مورد نیاز آنان می‌پردازند.

- **گروه چهارم**، شامل فعالیت‌هایی است که از نظر اجتماعی نامطلوب‌اند و بزهکاری محسوب می‌شوند؛ از جمله خرید و فروش مواد مخدر، قاچاق و سرقت (Potter and Evans, 1998, P177,179).



نمودار (۲-۲) طبقه بندی اقتصاد غیر رسمی از دیدگاه پاتر و ایونز

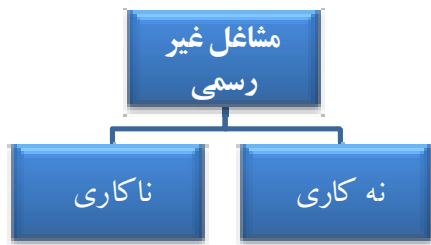
31 Overlap

32 Robert B. Potter

33 Dr Sally Lloyd-Evans

34 Petty Capitalist

در تقسیم بندی دیگری، این مشاغل را می توان به دو دسته ی نه کاری و ناکاری تقسیم کرد. نه کاری گروهی از مشاغل است که محکومیت ضعیف و مقبولیت نسبی دارند و به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فشار جمعیت، تنها راه ادامه ی زندگی و رفع بیکاری برای بسیاری از جمعیت فعال کشورهای جهان سوم می باشد. دست فروشی، مسافر کشی شخصی، یخ فروشی، سیگار فروشی و ... در این زمره اند. صاحبان این گونه فعالیت ها را نه می توان بیکار نامید و نه شاغل؛ چون ضمن این که ظاهرا کاری انجام می دهند اما در واقع کار آن ها واقعی و سالم نمی باشد و به اصطلاح نه کاری است (صرامی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱).



نمودار (۲-۳) طبقه بندی مشاغل غیر رسمی از دیدگاه صرامی

ناکاری، گروه دیگری از فعالیت های کاذب است که محکومیت آن قوی تر و هیچ گونه مقبولیتی ندارد. فقط عده ی محدودی از افراد آن، به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و غالبا به علت فقدان یا ضعف تعلیم و تربیت خانوادگی، محرومیت های اجتماعی و احیانا اهداف زیاده طلبی، پول پرستی، خوش گذرانی و ... به آن دست می زنند؛ قاچاق، دزدی، گدایی، رشوه خواری و ... از آن جمله اند.

در مطالعه ای دیگر، جی جی توماس<sup>۳۵</sup> و همکاران وی در تقسیم بندی مشابهی این فعالیت ها را به چهار بخش خانوار، بخش غیر رسمی، بخش نامنظم و بخش غیر قانونی تقسیم کرده اند (جی جی توماس، ۱۳۷۶، ص ۵-۸).

در بیش تر کشورهای در حال توسعه به وضوح هر چهار بخش پیش گفته به چشم می خورند؛ اما آن چه که عمده و چشم گیر است و در اقتصاد فقرای شهری تعیین کننده می باشد، دو بخش نخست - به ویژه بخش غیر رسمی - است. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته بخش سوم یعنی بخش خرده سرمایه داری و یا نامنظم حضوری جدی تر دارد و به اقتصاد سیاه<sup>۳۶</sup> موسوم است (Johnston & et al, 2001, p322).

با توجه به مطالب گفته شده می توان نتیجه گرفت که بخش غیر رسمی، ناهمگون است و برای افراد، محدودیت سنی و جنسی خاصی وجود ندارد؛ اگرچه پاره ای از مشاغل، بیش تر به جوانان و مردان تعلق دارند. از لحاظ سواد تخصص نیز شاغلان این بخش در سطح نازلی قرار دارند (شیخی، ۱۳۶۹، ص ۶۸ و ۶۹). اشتغال زنان در این بخش به علت محدودیت های اجتماعی و گرایش زنان به کار در خانه، بیش تر متمایل به مشاغل خانگی است. کودکان به دلیل محدودیت های موجود برای اشتغال رسمی در کمک به تامین هزینه ی خانوار، گرایش زیادی به بخش غیر رسمی دارند

35 J.J. Thomas

36 Black Economy

نویسنده ی کتاب اقتصاد غیر رسمی